پیشخوان

به بهانه انتشار یادمان زنده یاد
آیت‌الله‌العظمی سیدموسی شبیری زنجانی

در حالات و مقامات «جامع علم و عمل»

■ شاهد توحیدی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که بر عنوان خویش آورده، یادنامه‌ای است برای مرجع عالیقدر و فقیه محقق حضرت آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی. «جامع علم و عمل»، از سوی سیدمحمدمهدی رفیع پور تهرانی و محمدجواد شعبانی مفرد تدوین شده و مؤسسه کتابشناسی شیعه به انتشار آن همت گماشته است. حجت‌الاسلام والمسلمین رضا مختاری رئیس این مؤسسه در دیباچه این کتاب آورده است:

«فقیه بارع و محقق، اسوه تقوا و فضیلت، زاهد فرشته خصال، آموزگار فقاهت و تدقیق، نمونه بارز سلف صالح، تجسم فروتنی، بی‌ریایی، بی‌هوایی، صفا، صمیمیت، خلوص، دلسوزی و مهرورزی، حضرت آیت‌الله حاج سیدموسی شبیری زنجانی (طیب الله ثراه وجعل الجنه منقلبه و مثواه)، حدود نیمه شب دوشنبه ۳۰ شهریور سال جاری از میان ما پر کشید و به ملکوت اعلی پیوست. ارتحال آن بزرگوار برای این ناچیز که از اواخر سال ۱۳۵۶ (سال اول طلبگی) یا اوایل سال ۱۳۵۷ - آنگاه که مدرسه فیضیه به دستور ساواک بسته بود و ایشان نماز ظهر و عصر را در مسجد امام حسن عسکری (ع) اقامه می‌کرد- تا چهار شب قبل از وفات اندوهبار، أعنی آخرین باری که به دفترشان تشریف آوردند، شب پنج‌شنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۵، یعنی حدود ۵۰ سال به قدر لیاقت و استعداد خود از محضر آن بزرگوار بهره مند و مستفید و حدود ۳۵ سال همسایه بوده‌ام، بسی دردناک و غیر قابل وصف است. آثار بهره مندی از خرمن علمِ



دهه ۹۰. زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی سیدموسی شبیری زنجانی در حال اقامه نماز

این دانشی مرد سترگ در نوشته‌های این ناچیز مشهود است و ظاهراً اولین بار در مقاله بررسی اعلام المکاسب - که درست ۴۰ سال پیش در شماره شش مجله کیهان اندیشه (خرداد و تیر ۱۳۶۵) منتشر شد- از برخی آرا تراجمی ایشان یاد کردم و همواره از محفل انس و معقل قدس ایشان سرمست و مبتهج بوده و اندکی از بسیار و نمی‌از یمِ دریای فضائل و خصال ستوده ایشان را در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و نوشته‌ها بیان کرده‌ام و اینک در آستانه چهلمین روز ارتحال برای ادای اندکی از حق تعلیم و تربیت و استادی ایشان اثر حاضر تقدیم خیل مشتاقان و شاگردان ایشان می‌شود. کتاب حاضر در دو بخش تدوین شده است: بخش اول طلیعه که پس از ارتحال جانسور این مرد بزرگ، به پیشنهاد این ناچیز و به همت همکار گرامی و با سابقه جناب مستطاب آقای محمدجواد شعبانی مفرد فراهم آمده است. بخش دوم سال‌ها پیش و در زمان حیات پر برکت آیت‌الله شبیری، به همت فاضل محترم جناب مستطاب آقای سیدمحمد مهدی رفیع‌پور تهرانی گردآوری شده، ولی به دلایلی در زمان حیات آیت‌الله، نشر آن میسر نشد. آیت‌الله شبیری از ترویج و مطرح شدن خود به شدت پرهیز می‌کرد و به دستور ایشان، دفتر بیت و فرزندان گرامی‌شان به این قبیل کارها (که نتیجه‌اش نوعی ترویج ایشان بود) روی خوش نشان نمی‌دادند و همکاری نمی‌کردند. حتی چند بار عده‌ای درصدد برآمدند تا مستندی تلویزیونی برای ایشان تهیه کنند و در اوایل یا اواسط کار به دلیل همراهی نکردن ایشان رها کردند و این هم درسی مهم از دروس عملی این مربی بزرگ است. مشی، منش، روش و سلوک سکوت و سخن مجلس و محفل ایشان از بهترین درس‌های اخلاق و نفس همنشینی و در محضر ایشان بودن، انسان ساز و عبرت آموز بود... .»



حجت‌الاسلام والمسلمین رضا مختاری

در بحران قضایای مربوط به آقای منتظری، برخی پس از نماز عشا به دنبال آقای شبیری راه افتادند و خواهان موضع‌گیری و اقدام ایشان شدند. آن بزرگوار سخن همه را شنیدند، وقتی به در منزل فعلی خود رسیدند، خطاب به آنان فرمودند: «فکر می‌کنید با تضعیف آقای خامنه‌ای امام‌زمان (عج) می‌آید؟ نه، منافقین و سلطنت‌طلب‌ها می‌آیند. آیا از این اتفاق سودی عاید شما می‌شود؟...» این را گفتند و سپس به داخل منزل رفتند

«ناگفته‌هایی از حیات زنده‌یاد آیت‌الله العظمی سیدموسی شبیری زنجانی» در گفت‌وشنود با حجت‌الاسلام والمسلمین رضا مختاری

امام به او فرمود: هر اجازه‌ای که من دارم شما هم دارید!

■ سمانه صادقی

حجت‌الاسلام والمسلمین رضا مختاری در زمره شخصیت‌هایی است که نزدیک به نیم قرن، با زنده‌یاد آیت‌الله العظمی سیدموسی شبیری زنجانی ارتباط صمیمی داشته و در دو دهه اخیر، پنج مجلد از مجموعه تاریخی - پژوهشی جرعه‌ای از دریا (که در بردارنده یادمان‌ها و دیدگاه‌های ایشان در باره برخی شخصیت‌ها و آثار مکتوب است) را در مؤسسه یادشده منتشر ساخته است. وی در گفت‌وشنود پی آمده، به بازگویی شمه‌ای از دانسته‌های خود پیرامون حیات علمی و عملی آن فقیه فرزانه پرداخته است.

آشنایی شما با زنده‌یاد آیت‌الله العظمی سیدموسی شبیری زنجانی چگونه روی داد؟

بنده در اواخر شهریور سال ۱۳۵۶، برای تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم. پس از تعطیلی مدرسه فیضیه از سوی ساواک در خرداد ۱۳۵۴، مرحوم آیت‌الله حاج آقاموسی شبیری زنجانی (رضوان الله تعالی علیه) نماز ظهر و عصر را در مسجد امام‌حسن عسکری (ع) اقامه می‌کردند. بنده در اواخر شهریور ۱۳۵۶ که به قم آمدم، نماز ایشان در مسجد امام (ظهر) و حرم مطهر (صبح، مغرب و عشا) برقرار بود؛ روالی که تا زمان بازگشایی مجدد مدرسه فیضیه در جریان انقلاب اسلامی ادامه داشت.

از سال ۱۳۵۶ که در راه مسجد امام، از ایشان سؤالی در باره تقلید پرسیدم، فروتنی و مهربانی‌شان با یک طلبه جوان به دلم نشست. از توفیقات بزرگ ایشان این بود که پس از وفات پدرشان در سال ۱۳۹۳ قمری، نزدیک به ۴۵ سال (تا ایام کرونا و درد پا)، مداوم و سه وعده در حرم و فیضیه اقامه جماعت می‌کردند؛ آن هم با اهتمام به نوافل، حتی در حال حرکت ماشین به سمت حرم برای نماز صبح. در حرم نیز پیش از شروع نماز صبح، در اتاق جلوی محراب، قرآن می‌خواندند و ترجمه آن را نیز با دقت بررسی می‌کردند و گاه در راه بازگشت، نکات مربوط به ترجمه‌ای که دیده بودند و اشکالاتش را به ما متذکر می‌شدند.

دقت‌نظر ایشان در تأملاتشان پیرامون قرآن کریم و نیز توجه به نکات ادبی و نحوی آیات چطور خود را نشان می‌داد؟

به عنوان نمونه، خاطرم است که درباره آیه شریفه مَنْ عَمِلَ صَالِحاً... (نحل: ۹۷) می‌فرمودند: «صالحاً» در اینجا نمی‌تواند مفعول‌به باشد، زیرا اگر مفعول به گرفته شود، معنا این می‌شود که حتی با یک عمل صالح، تمامی پاداش‌های عظیم به شما اعطا می‌شود؛ پس باید نقش نحوی دیگری برای آن در نظر گرفت. این نوع ژرف اندیشی‌های ایشان در سایر شاخه‌های علوم نیز وجود داشت.

شما چگونه به علم تراجم و کتاب‌شناسی علاقه‌مند شدید و آیت‌الله شبیری در فرآیند این علاقه‌مندی چه نقشی داشتند؟

علاقه بنده به تراجم از همان کتاب‌های اهدایی مدرسه آیت‌الله گلپایگانی شروع شد و پناهم نیز در پاسخ به سؤالات آیت‌الله شبیری بود. (خاطرم است که در سال ۶۵، در «کیهان اندیشه» مقاله‌ای نوشتم و در آنجا از ایشان نظریه‌ای را ذکر کردم. در آن مجله به دلیل ناآشنا بودن نامشان برای کارکنان و به اشتباه، به جای «شبیری زنجانی»، «شبیری خاقانی» چاپ شد!) به هرحال ۳۵ سال همسایه ایشان بودم؛ استادی که تا سه روز پیش از وفات، بدون هیچ دربان و حاجبی در دسترس همگان از طلاب مبتدی تا کودکان برای استخاره و حتی عکس انداختن بود. اهتمام ایشان به درس نیز فوق‌العاده بود. یک‌شب زمستانی و در ساعت ۱۲، شخصاً زنگ خانه ما را زدند تا جلد دوم تذکره علامه را برای مطالعه‌درس فردا بگیرند! در مسیر حرم هم لحظه‌ای وقت را هدر نمی‌دادند. اگر سؤالی نداشتیم، خودشان فرع فقهی یا حکایتی را مطرح می‌کردند. در سالیان پایانی حیات که ضعف بینایی داشتند، برای شمردن جفت و طاق مهره‌های تسبیح در تاریکی ماشین و به هنگام استخاره، گاهی من یا آقازاده‌شان (حاج‌آقا جواد) به ایشان کمک می‌کردیم. برای رفتن به حرم‌مطهر هم به من فرموده بودند: «صبح‌ها چراغ حیاط را روشن می‌گذارم؛ اگر روشن بود، یعنی هنوز نرفته‌ام و صبر کنید که با هم برویم و اگر خاموش بود، یعنی رفته‌ام و معطل نشوید!»

تدوین و انتشار مجموعه «جرعه‌ای از دریا» و انتشار خاطرات و دیدگاه‌های ایشان در مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه چطور انجام شد و چه بازتاب‌هایی داشت؟

از سال ۱۳۸۵، تصمیم گرفتیم تا حواشی آیت‌الله شبیری بر کتب و نیز خاطرات‌شان را منتشر کنیم. چون می‌دانستیم که اگر پیشاپیش ماجرا را به ایشان بگوییم، مخالفت خواهند کرد؛ جلد اول را بدون اطلاعشان منتشر کردیم! در آغاز نگاهشان این بود که مطالب معمولی است، اما کتاب با استقبال و تشویق فوق‌العاده بزرگان از جمله رهبر شهید انقلاب اسلامی و آیت‌الله جعفر سبحانی روبه‌رو شد. نکته‌برجسته این بود که از سال ۱۳۸۹ تاکنون، نه خود آقا و نه بیت ایشان، کوچک‌ترین اعتراضی به قیمت، کیفیت چاپ، زمان چاپ و حتی عنوان آیت‌الله به جای آیت‌الله العظمی نداشتند و در اصلاح عبارات نیز با ما نهایت همراهی را داشتند که این بهترین و شیرین‌ترین تعامل ممکن بود.

پس از انتشار این اثر آیا تذکر تاریخی یا نکته اصلاحی خاصی از سوی صاحب‌نظران و بزرگان مطرح شد؟

بله. استقبال بسیار خوب بود، اما دقت‌های تاریخی جالبی هم به ما منتقل شد. از جمله رهبر شهید انقلاب اسلامی راجع به جلد اول به ما تذکر دادند که در پاورقی، تاریخ تولد پدرم اشتباه درج شده و سال «۱۳۱۵» نادرست و «۱۳۱۳» درست است. این اشتباه در پاورقی از جانب ما بود که در چاپ‌های بعدی اصلاح شد.

از تواضع علمی، سعه‌صدر و بصیرت سیاسی آیت‌الله شبیری خاطراتی را بیان کنید؟

ایشان ذره‌ای مانع نفسانی نداشتند؛ پیگیر آثار جدید دیگران (مانند پی جویی از کتاب صلاه مسافر آقازاده سالگی)، در درس خارج آیت‌الله سیدصدرالدین صدر شرکت می‌کردند و با وجود شوخی برخی - که وی را در سنین کودکی و قنداق شدن قلمدادمی کردند- با تشویق برخی دیگر از حضار آن درس، اشکالات علمی دقیقی به مطالب مطروحه وارد می‌کردند.

گستره مطالعات جانبی آیت‌الله شبیری در حوزه‌های تاریخ، ادبیات و شعر و همچنین تواضع‌شان در برابر آثار دیگران در این عرصه‌ها چطور بود؟

ایشان در کنار فقه و اصول، در تاریخ معاصر، تاریخ حوزه‌ها و تاریخ حیات فقها و بزرگان نیز مطالعات عمیقی داشتند و در ادبیات و نکات شعری نیز بسیار دقیق بودند. مثلاً ایراد ادبی برخی از اشعار را نقد کرد یا در جلد پنجم جرعه‌ای از دریا به داوری درباره دیوان حافظ به تصحیح علامه قزوینی پرداخته‌اند. با این حال گاه در کمال تواضع می‌فرمودند، نامه‌ای را به دلیل عدم توانایی در نگارش به همان سبک فاخر، بی‌جواب گذاشته‌اند! همچنین با وجود عدم تمایل شخصی‌شان به حفظ اسناد (برخلاف پدر بزرگوارشان)، برخی اسناد گم‌شده‌ایشان مانند اجازه از مرحوم سید شرف‌الدین را در لابه‌لای کتاب‌ها کشف کردیم. تبحر ایشان در تاریخ متجلی در شعر نیز در آثارشان مشهود است. در علم ریاضیات نیز تبحر داشتند؛ چنانکه مسئله پیچیده‌ریاضی مطرح‌شده در درس آقای داماد را به سرعت حل کردند و حتی سال‌ها بعد در پیاده‌روی به سوی حرم، بار دیگر آن را با همراهان مطرح و با طرح اشکال و جواب آن، این خاطره را یادآوری کردند.

اساتید و هم‌بحث‌های ایشان چه کسانی بودند؟ درس‌های فقه و اصولشان واجد کدام امتیازات بود؟

ایشان از محضر بزرگان حوزه قم، همچون آیت‌الله بروجردی، امام خمینی، علامه طباطبایی، آیت‌الله داماد (با حدود ۲۱ سال ملازمت) و آیت‌الله حاج‌آقا مرتضی حائری بهره بردند. همچنین با شخصیت‌های برجسته‌ای چون امام موسی صدر، آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله سیدمهدی روحانی و... هم‌مباحثه بودند. مسلک فقهی ایشان تحت تأثیر آیت‌الله بروجردی، مبتنی بر «جمع شواهد و قرائن» بود. درس‌هایشان به دلیل طرح آنی نقدها و دقت‌های بالا برای مستمعین سنگین بود، اما هیچ‌گاه با مراجعین با تکبر برخورد نکردند و به راحتی به ساده‌ترین سؤالات پاسخ می‌دادند. مقام علمی، تخصص رجالی و تسلط ایشان بر نسخ خطی، بی‌نظیر و فاقد منکر است. آیت‌الله سبحانی در حق ایشان تصریح فرمودند: «ما ناقلیم، اما ایشان صاحب مبنا هستند!» آیت‌الله سید مهدی روحانی نیز در زمان رحلت مراجع وقت تصریح داشتند که ایشان در مسئله حج، حتی از اموات (همچون آیات خویی و گلپایگانی) اعلم هستند و در عدول به ایشان هیچ مانعی وجود ندارد. همچنین شخصیت‌هایی چون علامه سیدجلال‌الدین آشتیانی در آثار خود با احترام تمام از ایشان یاد کرده‌اند.

ماجرای اجازه و اختیاراتی که امام خمینی به ایشان داده بودند را روایت کنید؟

خودشان نقل می‌کردند: «یک بار برای احتیاط، از طریق آقای حاج سیداحمدآقا، از آقای خمینی اجازه‌ای شفاهی خواستم. مدتی بعد که در جماران به دیدارشان رفتم، در حالی که تقریبا مسئله را فراموش کرده بودم، هنگام خداحافظی به من فرمودند: «هر اختیار و اجازه‌ای که من دارم، شما هم دارید!» با اینکه آیت‌الله شبیری بعدها در درس هم به این موضوع اشاره کردند، اما ذره‌ای در این عوالم نبودند که بخواهند از چنین امتیازاتی برای تبلیغ شخصی یا مقاصد دنیوی استفاده کنند.

رابطه علمی آیت‌الله شبیری، با هم بحث‌های دیرین شان چگونه بود؟ آنان چه تفاوت‌هایی با یکدیگر داشتند؟

ایشان می‌فرمودند: هم‌بحث‌های اصلی‌ام، آقا موسی صدر و حاج‌آقا مهدی روحانی بودند. در این میان، با آقا موسی صدر بسیار مأنوس بودند؛ هم فهم‌شان به هم نزدیک بود و هم طنین صدای آرام ایشان با گوش و جسمشان سازگار بود تا جایی که می‌فرمودند: همین مباحثه با آقا موسی، از انگیزه‌های اصلی دلگرمی و اشتیاقم به طلبگی شد. همچنین می‌گفتند زمانی که آقای صدر در نشریه مکتب اسلام مسئولیتی داشتند، من را وادار به نوشتن مقاله «مؤلف تبصره العوام» کردند که در سال ۱۳۳۸ ش چاپ شد. ایشان در ادامه اظهار می‌داشتند: اگر آقای صدر در ایران می‌ماند و به لبنان نمی‌رفت، مرا وادار به نوشتن مقالات و کتب فراوانی می‌کرد و باعث می‌شد که به یک نویسنده توانا تبدیل شوم؛ در واقع هجرت ایشان به لبنان، باعث شد که من کار نویسندگی را کنار بگذارم!

با شهید بهشتی، با وجود آنکه همدوره بودند، به دلیل تن صدای بلندشان هنگام مباحثه - که گوششان را آزار می‌داد- بحث‌ها را خیلی طولانی و مفصل ادامه نمی‌دادند.

از قدرت حافظه آیت‌الله شبیری بگویید؟ این موهبت تا چه زمانی پابرجا بود؟

ایشان حافظه استثنایی و خارق‌العاده‌ای داشتند؛ چنانکه در حاشیه‌جلد سه کتاب جرعه‌ای از دریا، از سوی رهبر شهید مرقوم شده است: «حافظه استثنایی حاج‌آقا موسی!.» این حافظه‌قوی، تا سال‌های آخر حیاتشان نیز به قوت خود باقی بود؛ هرچند در اواخر عمر گاهی نام اشخاص را فراموش می‌کردند، اما مطالب و خاطرات را با همان دقت سابق نقل می‌کردند، طوری که مثلاً واقعه‌ای را روایت و با فاصله مثلاً ۲۰ سال، مجدداً همان رویداد را بیان می‌کردند، بدون اینکه کوچک‌ترین تفاوتی با مرتبه اول داشته باشد.

ایشان در تحقیق و پژوهش، هرگز به منابع دست‌دوم اکتفا نمی‌کردند و معتقد بودند اعتماد به آنها انسان را به خطا می‌اندازد و باید مستقیماً سراغ منابع اولیه رفت (مگر آنکه در دسترس نباشد). علاوه بر این، در ریزه‌کاری‌ها و علائم سجاوندی نیز فوق‌العاده دقیق و حساس بودند؛ چنانکه در مقدمه کتاب غایه المراد و با اشاره به جابه‌جایی یک ویرگول، متذکر شدند که این بی‌دقتی معنای عبارت را به عکس منعکس کرده است!

ایشان از تحقیق و پژوهش و مطرح شدن خود به شدت پرهیز می‌کرد و به دستور ایشان، دفتر بیت و فرزندان گرامی‌شان به این قبیل کارها (که نتیجه‌اش نوعی ترویج ایشان بود) روی خوش نشان نمی‌دادند و همکاری نمی‌کردند. حتی چند بار عده‌ای درصدد برآمدند تا مستندی تلویزیونی برای ایشان تهیه کنند و در اوایل یا اواسط کار به دلیل همراهی نکردن ایشان رها کردند و این هم درسی مهم از دروس عملی این مربی بزرگ است. مشی، منش، روش و سلوک سکوت و سخن مجلس و محفل ایشان از بهترین درس‌های اخلاق و نفس همنشینی و در محضر ایشان بودن، انسان ساز و عبرت آموز بود... .»



دهه ۸۰. آیت‌الله‌العظمی سیدموسی شبیری زنجانی